



و مبارز بودند. آشنایی من با حاج قاسم برمی گردد به روابط سیاسی که با برادران سوری داشتم، ولی حاج قاسم با فرمانده جنبش حماس خاطرات ویژه‌ای داشتند، چه فرمانده سیاسی یا فرمانده نظامی، خاطرات میدانی سیاسی داشتند که مربوط به ترسیم نقشه‌ها بود حتی ترسیم نقشه‌های میدانی جنگ و در آخر اگر بخواهیم درباره سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ صحبت کنیم در آن زمان مجاهدان متخصص بسیار زیادی بودند که راه‌های پیشرفت جنگ و پیشروی در این مسیر را به فرماندهان ایرانی عرضه کردند و ردپای رهبر انقلاب و حاج قاسم در پیشروی‌های میدانی در جنگ دیده می‌شد. و اما دیدار من با حاج قاسم در قالب یک دیدار رسمی، در چهارچوب انجام وظیفه در جمهوری اسلامی ایران و در سال ۲۰۱۱ بود، دیدارهایی در چهارچوب پروتکل‌های دیپلماسی نبود، دیدارهایی بسیار عمیق بود.

✓
یکی از نکات اساسی که در زندگی حاج قاسم به یاد دارم، تصمیم ایشان در رابطه با تمسک جستن به قضیه فلسطین بود، ایشان همیشه می‌گفت: حتی اگر تمام دنیا قضیه فلسطین را رها کند، ما فلسطین را رها نمی‌کنیم

◀ منظور شما از دیدارهای بسیار عمیق با شهید سلیمانی چیست؟

بسیاری از اوقات می‌دیدم که از آیات قرآن کریم و وقایع تاریخی استنباط می‌کرد، سیاست نظامی و سیاستی مبنی بر واقعیت داشت و در بسیاری از موارد می‌خواست که بیش از یک بار دیدار داشته باشیم چرا که می‌خواست منظور از بیان برخی موارد که توسط مقاومت یا برادران در جلسه عنوان می‌شد را بداند و پیگیری کند. تمام موارد را پیگیری می‌کرد، از ادبیات و خاطرات و هر آنچه را که یادداشت کرده بود، پیگیری می‌کرد سپس دوباره بازمی‌گشت و پاسخ سؤالات را می‌داد، یکی از نکات اساسی که در زندگی حاج قاسم به یاد دارم، تصمیم ایشان در خصوص تمسک جستن به قضیه فلسطین بود، ایشان همیشه می‌گفت: «حتی اگر تمام دنیا قضیه فلسطین را رها کند، ما فلسطین را رها نمی‌کنیم».

ما می‌دانستیم و دشمن صهیونیستی می‌دانست که حاج قاسم حتی یک بار به فلسطین نیامده بود، اما دشمنان

صهیونیستی در اعترافات و تصریحات رسانه‌ای و سیاسی خود همیشه می‌شنیدند که حاج قاسم در شمال فلسطین است و این برایشان مهم بود، روابط ما با حاج قاسم سطحی نبود و اما مورد دوم اینکه ایشان همیشه تأکید داشتند آنچنان که گویا نوع شهادت‌شان را برگزیده بودند، همیشه می‌گفتند که امام حسین (ع) وقتی که خارج شدند نسبت به شهادت‌شان آگاهی داشتند اما رفتند تا به شهادت برسند، چون تابع مکتب و مدرسه‌ای بودند که در خانه نمی‌ماند، تابع مکتبی اسلامی بودند، برخی عقیده دارند و می‌گویند که در خانه بمانید تا زمان فرج و گشایش فرا برسد و دولتی بر سر کار آید که به مقاومت کمک کند، اما ایشان این تفکر را مردود می‌دانست و می‌گفت: امام حسین (ع) برای ما مهم و بزرگ است، اما بزرگ‌تر از امام حسین (ع) چیست؟ تفکر امام حسین (ع) است که به خاطر آن به شهادت رسید و این چیزی بود که ایشان همیشه بر آن تأکید داشتند. تفکر اساسی در نزد ما دشمن مشترک است، همان دشمن صهیونیستی، دشمن مشترک امت، تا دیروز مردم می‌گفتند که این صحبت‌های شما احساسی است اما امروزه باور دارند و پایتخت کشورهای عربی و اسلامی آن را به وضوح مشاهده می‌کنند، در هر یک از پایتخت‌های کشورهای عربی اثر انگشت و رد پای دخالت‌های امنیتی و نظامی و تخریبی و اسرائیلی مشاهده می‌شود، بنابراین حاج قاسم با ما روابطی همچون برادر بزرگ‌تر داشت.

